قاعده لا ضرر، جلسه 6، 29/10/1398

بسم الله الرحمن الرحیم

ادعای محقق در تواتر حدیث لاضرر

بحث در سند حدیث لاضرر بود آیا این خبر از متواترات است؟ اگر از متواترات باشد قطعی می شود و قابل استناد می شود؛ اما اگر خبر واحد باشد، از ظنون می شود، آیا احتیاجی به تأیید داریم یا خیر؟ آیا باید با شهرت جبران شود؟ دو مبنا داریم.لذا این بحث ها مهم است حتی بعضی از علماء رساله جداگانه در قاعده لا ضرر نوشته اند علاوه بر اینکه در اصول بحث می شود.

صاحب کفایه رحمه الله می گوید که بعضی از علماء ادعای تواتر کرده اند؛ از جمله این علماء فخر المحققین است، و ایشان از وزنه های علمی حلّه بوده است، -نقل است که وقتی او درس خود را شروع کرد اقبال به او زیاد شد و همه درس ها کم فروغ شد، لذا برخی به او حسادت کردند و تهمت های ناروا زدند، تاجایی که او درسش را تعطیل کرد، بعد از مدتی علماء و طلاب از او درخواست کردند که مجددا درس برگزار کند؛ لذا در روایت است که شش طائفه به جهنم می روند و یک طبقه برای علماء است؛ العلماء للحسد.-

مرحوم فخر محققین مدعی تواتر است؛ «المدعی للتواتر و الشائع فی السنة المتأخرین هو فخر المحققین صاحب ایضاح الفوائد فی کتاب الرهن علی ما هو المحکی عنه قال ثالثها العتق فنقول یجب علیه فکّ الرهن باداء العین،الی أن قال ولو بذله بارید ولو باضعاف قیمته فالاصح -نظرم خود محقق- وجوب فکّه علیه لوحوب التلخیص الحرّ فانه لا عوض له الا لتخلیص ولا یمکن الا من ازید من القیمة و مالا یتم الواجب الا به واجب و احتمال عدمه لامکان استلزام الضرر و ان یحیط بمال الراهن والضرر المنفی بحدیث المتواتر ضعیف[[1]](#footnote-1).

یعنی »در رهن عبد لازم با اداء دین آن عبد را که آزاد نموده است، از رهن خارج کند ولو بیشتر هزینه بدهد، از باب اینکه حرّ را نمی شود نگه داشت؛ وقتی آزاد کردن عبد، واجب است باید آزاد کند و تحققش متوقف بر پرداخت قیمت زیاد است پس بر او واجب است از باب مقدمه واجب ؛ اما احتمال دارد بگوییم که آزاد کردن حرّ با پرداخت هزینه زیاد واجب نیست از باب ضرر و حدیث ضرر هم متواتر است لکن این مطلب در اینجا ضعیف است،» از این لفظ متواتر استفاده تواتر حدیث لاضرر می باشد. این مطلب را از کتاب منتهی الدرایه گرفته ام.

اعتبار نقلیات مرحوم صدوق از معصوم

« والکلام هنا وقع فی مقامین، مقام الاول فی بیان سند اخبار الدالة علی حرمة الضرر و الضرار

فنقول انّ سند الاخبار نقله الشیخ الصدوق و اسنده جزماً الی رسول الله صلی الله علیه و آله» مرحوم صدوق در مقدمة کتاب من لا یحضره الفقیه، تعهد داده است که اخباری که آوردم تماما که مورد قبول و مرضی من است؛ اما اگر جایی مرحوم صدوق تعبیر به رُوِی شده باشد معلوم می شود حدیث مرسل است اما اگر اسناد به معصوم داده باشد، قال رسول الله، قال امام الصادق علیه السلام... مطمئن باشید که به صدور آن روایت اعتماد داشته ام و مرضی من بوده است؛ مرحوم آیت الله بروجردی می فرمود کلام مرحوم صدوق رحمه الله نقل کلام معصوم علیه السلام است؛ تعهد ایشان تعهد الهی است، می گفتند مرحوم صدوق مورد عنایت بقیة الله است. «مراسیله کاسانیده» بخاطر تعهدی است که داده است.

بررسی راویان حدیث لا ضرر

مرحوم صاحب وسائل در باب موانع الارث وقتی حدیث لاضرر را نقل می کند فرموده: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله» من دون ذکر روی حتی یکون مرسلا فبملاحظة تعهد الصدوق فی اول الفقیه من انه لا یسند الخبر الی الحجة الا ان یکون صحیحا بینه و بین الله فهو عندنا مرضی و مقبول کما علیه عدة من اصحاب الاجتهاد»؛ بنابر این از این جهت برای ما قوت قلب می شود؛ علاوه بر نقل مرحوم صدوق ناقلین این حدیث افراد موثق می باشد؛ « مضافا الی کون حدیث الزرارة المنقول فی کتاب احیاء الموات موثقٌ لان تمام السلسة الرواة کان موثقا مثل عدة من الاصحاب، عن احمد بن محمد بن خالد( ثقة) عن ابیه محمدبن خالد برقی(ثقة و ان کان فتحیاً الا انه ثقة بل هو من اصحاب الاجماع وان کان ناقلا اخبار الضعاف لکن لا یوجب الضعف اذ وثقه الشیخ و العلامة و ما عن النجاشی من انه کان ضعیفا فی الحدیث لعل مراده اراد نقله عن الضعاف لا تضعیفه) ) عن عبد الله بن بکیر (ثقة) عن زرارة (هو فقیه و جلالته معلوم لا یحتاج الی بیان اصلا) امام صادق علیه السلام از ایشانتعریف کرده است. پس ملاحطه میکنید که تمام سلسله سند روایت صحیح است (بل یکفی فی الاعتماد الیه وجوده و لو لم یکن فی البین غیر هذا اي غیر زرارة وهو مشتمل علی جملة لاضرر و لاضرار مع ان عمل الاصحاب فی موارد المتعددة یکفینا فی صحة الاعتماد الیه و کمال الوثوق بها.) انتهی امر الاول.

الحمد لله رب العالمین

1. منتهی الدرایه ( مرحوم جزائری) ج6 ص495 [↑](#footnote-ref-1)